



تبیین سازه انگیزش بر اساس منابع اسلامی

محمدتقی تیبیک*

چکیده

سازه انگیزش اهمیت محوری در ساختار وجودی آدمی دارد. ادیان الهی، و نیز علوم بشری توجه ویژه‌ای به این سازه دارند. با این حال، تاکنون پژوهش منسجمی در باب تبیین سازه انگیزش از دیدگاه اسلام انجام نشده است. هدف پژوهش حاضر، تبیین سازه انگیزش بر اساس منابع اسلامی، و روش آن توصیفی - تحلیلی مفهومی است. در بخش توصیفی، مفاهیم مربوط به سازه انگیزش در کتاب‌های معتبر لغوی و منابع اسلامی (قرآن کریم و احادیث اسلامی) بازشناسی و توصیف شد، و در بخش تحلیلی مفهومی، داده‌های گردآوری شده تبیین و تحلیل گردید. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، «نیت» هسته مفهومی انگیزش در منابع دینی را تشکیل می‌دهد و از سه مؤلفه اصلی نیرومندی، جهت‌مندی، و تداوم تشکیل شده است. به دلیل نگاه ارزشی دین به سازه انگیزش، نیت به دو نوع خوب و بد تقسیم می‌شود. نیت خوب دارای سه مؤلفه صدق (نیرومندی)، اخلاص (جهت‌مندی)، و شاکله نیک (تداوم) است. نیت بد نیز سه مؤلفه دارد: کذب (نیرومندی)، شرک (جهت‌مندی)، و شاکله بد (تداوم).

کلیدواژه‌ها: انگیزش، نیت، شاکله، اخلاص، صدق، کذب، شرک.

* پژوهشگر گروه روان‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث | mtabik@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۰۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۰۷

مقدمه

فرآیندهای انگیزشی به دلیل اهمیت محوری‌شان در ساختار وجودی آدمی، هم محل توجه خاص ادیان الهی بوده‌اند و هم توجه علوم بشری مانند فلسفه، حقوق، روان‌شناسی و علوم تربیتی را به خود معطوف کرده‌اند. در گستره اندیشه‌های فلسفی، بررسی انگیزش را یونانیان باستان (سقراط، افلاطون، و ارسطو) آغاز کردند و با فیلسوفانی همچون دکارت و کانت ادامه یافت. این بحث همچنان جزء مباحث زنده فلسفه، به‌ویژه فلسفه اخلاق، است. در حیطه آموزه‌های ادیان الهی نیز مبحث انگیزش همیشه مهم بوده است. با مرور مباحث مربوط به انگیزه (نیت) در علوم اسلامی، مانند فقه و حقوق اسلامی، اصول فقه، کلام اسلامی، و اخلاق اسلامی، می‌توان به جایگاه ممتاز انگیزه (نیت) در اندیشه اسلامی پی برد (اسدی، ۱۳۸۰).

در حوزه علوم بشری، به‌ویژه روان‌شناسی، نیز مبحث انگیزش جایگاه ممتازی دارد. به طور سنتی، روان‌شناسان فرآیندهای روانی و رفتاری را در سه خانواده بزرگ دسته‌بندی می‌کنند: شناختی، عاطفی - انگیزشی، و رفتاری. بسیاری از نظریه‌ها و مسائل روان‌شناختی حول محور این سه فرآیند شکل گرفته‌اند. گرچه برای مدتی (دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی) بیشتر روان‌شناسان به پژوهش در حوزه شناخت علاقه نشان دادند و مبحث انگیزش به حاشیه رانده شد، اما اینک بیش از پیش بر پیوند شناخت و عاطفه تأکید می‌شود، و نظریه‌ها و مسائل روان‌شناختی بسیاری درباره عاطفه و انگیزه شکل گرفته است. در حال حاضر، اغلب نظریه‌های شخصیت متضمن نظریه انگیزشی هستند (پروین^۱، ۲۰۰۳)، و در حوزه روان‌شناسی اجتماعی نیز، مباحث مهمی مانند نگرش‌ها ذیل محور عاطفی - انگیزشی قرار می‌گیرند. کاربرد اصول انگیزشی در زمینه درمان و بهداشت روانی نیز یکی از زمینه‌های زنده و پویایی است که مبحث انگیزش در آن برجستگی خاصی دارد.

به باور روان‌شناسان، مطالعه انگیزش به فرآیندهای درونی مربوط می‌شود که به رفتار نیرو^۲، جهت^۳، و استقامت^۴ می‌بخشد. نیرومندی به این نکته اشاره دارد که رفتار دارای نیرو و توانی است که نسبتاً نیرومند، شدید و پایدار است. جهت‌مندی گویای این نکته است که رفتار، غرض و

1. Pervin, L. A

2. energy

3. direction

4. persistence

مقصودی دارد که به منظور رسیدن به هدف یا پیامدی مشخص، جهت‌دهی و هدایت می‌شود. استقامت یعنی رفتار دوام دارد، بدین معنا که با گذشت زمان و در موقعیت‌های مختلف، خود را نگه می‌دارد (ریو، ۱۳۹۵، ص ۱۳). مؤلفه نیرو، به جنبه فعال‌سازی انگیزش مربوط است؛ مؤلفه جهت، به جنبه انتخاب - جهت مرتبط است؛ و مؤلفه استقامت گویای جنبه آمادگی پاسخ انگیزش است.

در آموزه‌های دینی مفاهیمی مانند «نیت»، «اخلاص»، «صدق»، و «شاکله» به مبحث انگیزش مربوط می‌شوند. این مفاهیم جایگاه بسیار ویژه‌ای در منظومه فکری دین اسلام دارند. مثلاً طبق آموزه‌های دینی، هر فردی بر اساس شاکله (نیت پایدار) خود عمل می‌کند (اسراء: ۸۴)؛ ارزش نیت بالاتر از عمل است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۹)؛ و کیفیت اعمال وابسته به کیفیت نیت است (همان، ج ۶، ص ۵)؛ انسان‌ها بر اساس انگیزه‌های خود محشور خواهند شد (برقی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۶۲)؛ انگیزه پاک، گوهر علم است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸)؛ در دین، کیفیت عمل مهم‌تر از کمیت آن است (ملک: ۲)؛ و معیار کیفیت عمل، نوع نیت و انگیزه‌ای است که به آن عمل جهت داده است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۶)؛ و اساساً قوام دین به نیت صادق است (ابن‌شعبه حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۳۹۶). همچنین، در مجموعه دیگری از احادیث اسلامی، میان این مفاهیم چهارگانه روابط مفهومی خاصی برقرار شده است. مثلاً دو مفهوم «اخلاص» و «صدق» به عنوان اوصاف نیت در نظر گرفته شده‌اند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸؛ ج ۸، ص ۲۴؛ ج ۲، ص ۱۶؛ ج ۲، ص ۸۵؛ ج ۴، ص ۴؛ شریف رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۷۸)، یا اینکه میان «نیت» و «شاکله» قرابت مفهومی چشمگیری در نظر گرفته شده است، تا جایی که برخی روایات اسلامی، «شاکله» را به «نیت» تفسیر کرده‌اند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۵).

این مفاهیم چهارگانه در آثار اندیشمندان مسلمان نیز بازتاب خاصی دارد. دیدگاه‌های اندیشمندان این مسئله را تأیید می‌کند که برای پرداختن به مسئله انگیزش از دیدگاه دین باید به این مفاهیم چهارگانه اهتمام ویژه داشت. از باب نمونه، ابوحامد غزالی (۱۴۱۲، ج ۴، ص ۴۳۳) معتقد است سه واژه «نیت»، «اراده»، و «قصد» هم‌معنا هستند. در نمونه دیگر، مجلسی (۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۰۰) سه معنا برای «نیت» ذکر می‌کند: اراده انجام دادن فعل؛ غرضی که انگیزه‌بخش (باعث) انجام دادن فعل است؛ و عزم بر انجام دادن فعل. این معانی منطبق با برداشت روان‌شناسان از مفهوم «انگیزش» است. مصباح یزدی (به نقل از: مصباح، ۱۳۹۱) میل‌های درونی انسان و حیوان را

آنگاه که بالفعل و به تنهایی یا با کمک یکدیگر در اراده اثر می‌گذارند، «انگیزه» می‌نامند. وی انگیزه‌ها را به دو دسته غریزی و غیرغریزی تقسیم می‌کند و انگیزه‌های غیرغریزی را «نیت» می‌نامد. مجلسی (۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۰۱) معتقد است نیت، تابع شاکله و مبتنی بر آن است. این شواهد متعدد در منابع دینی و آثار اندیشمندان مسلمان ما را متقاعد می‌کند که برای تبیین سازه انگیزش از دیدگاه منابع دینی و آثار اندیشمندان مسلمان باید سراغ مفاهیمی مانند این مفاهیم چهارگانه رفت، و ربط و نسبت آنها را با سازه انگیزش، و همچنین نسبت آنها را با خودشان کشف کرد. نیز باید مفاهیم متضاد با این مفاهیم چهارگانه را کشف کرد، و تفاوت‌ها و شباهت‌های این مفاهیم را به بحث گذاشت.

اولین گام در مسیر تدوین الگویی جامع در باب انگیزش دینی، واکاوی و تبیین مفهومی پدیده انگیزش است. در این مقاله به «تبیین سازه انگیزش بر اساس منابع دینی» پرداختیم که خرده‌نظریه‌ای است در باب تعیین حدود و ثغور پدیده انگیزش دینی و تمایز آن از سایر پدیده‌ها. روش پژوهش حاضر، «توصیفی - تحلیلی مفهومی» است. در بخش توصیفی، مفاهیم مربوط به سازه انگیزش دینی بازشناسی و توصیف می‌شود و در بخش تحلیلی مفهومی، داده‌های گردآوری شده تبیین و تحلیل، و در نهایت، سازه انگیزش از نگاه دین عرضه می‌شود.

تبیین مفهومی انگیزش دینی

در این بخش، ابتدا معانی لغوی چهار مفهوم «نیت»، «اخلاص»، «صدق»، و «شاکله» را در کتاب‌های لغت عربی جویا می‌شویم. سپس، به مفهوم‌شناسی این مفاهیم در منابع اسلامی (آیات قرآن و احادیث اسلامی) می‌پردازیم؛ و در نهایت می‌کوشیم با استفاده از بررسی‌های لغوی و دینی، هسته مفهومی انگیزش را در متون دینی بازشناسیم، و چگونگی رابطه مفاهیم دیگر را با آن هسته مفهومی بکاویم.

مفاهیم چهارگانه در لغت

نیت

واژه «نیت» مصدر است از ماده «ن و ی» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۹۳). معنای اصلی آن «انتقال از خانه‌ای (یا شهری) به خانه (یا شهر) دیگر» است (همان؛ ازهری، ۱۴۲۱، ص ۳۹۹). بنابراین، «انْتَوَى القوم»، یعنی قوم از شهری به شهر دیگر نقل مکان کرد (ازهری، ۱۴۲۱،

ص ۳۹۹). معنای واژه «نیت» در کتاب‌های لغت عربی به سه گونه آمده است. در برخی کتاب‌های لغت، «نیت» به معنای «مقصد و وجهی که فرد به سمت آن می‌رود» آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۶۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۹۷) و در برخی دیگر، به معنای «قصد و عزم» (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۳۱). برخی دیگر از منابع لغوی هم هر دو معنای مقصد (وجه)، و عزم و قصد را برای نیت ذکر کرده‌اند (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۵۱۶؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۲۶۶). بنابراین، وقتی می‌گوییم: «حسن، نیت شهر اصفهان کرده است» دو معنا در ذهنمان شکل می‌گیرد؛ یک معنا این است که حسن عزم و اراده کرده است که به اصفهان برود؛ و معنای دوم این است که مقصد و مقصود حسن از مسافرت، شهر اصفهان است.

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که در دیدگاه لغویان، واژه «نیت» دو معنا در ذهن پدید می‌آورد: ۱. قصد، اراده و عزم داشتن برای انجام دادن عمل؛ ۲. غرض، مقصد و مقصود انسان از انجام دادن عمل.

اخلاص

«اخلاص»، مصدر اَخْلَصَ يُخْلِصُ است و از ماده «خ ل ص» گرفته شده است. اخلاص بر پیراستگی و آراستگی چیزی دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۸). واژه «خالص» در نگاه راغب اصفهانی (۱۳۶۲، ص ۲۹۲) به معنای از بین رفتن عیب و آمیختگی از چیزی است که قبلاً معیوب و آمیخته بود. در نگاه ازهری (۱۴۲۱، ج ۷، ص ۶۴) و فراهیدی (۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۸۶) «خلوص شیء» به معنای نجات و سلامت یافتن چیزی، پس از گرفتاری و گیر افتادن است. بنابراین، می‌توان گفت لغویان هنگامی کاربرد واژه «خلص» و مشتقات آن را صحیح می‌دانند که دو شرط وجود داشته باشد: ۱. چیزی که قبلاً مبتلای به عیب، آمیختگی، گرفتاری، و اختلاط بود؛ ۲. اکنون، از آن ابتلائات رها شده، پیراسته و آراسته گردیده، و صفا یافته است.

صدق

واژه «صدق»، مصدر صَدَقَ يَصْدُقُ است و از ماده «ص د ق» گرفته شده است.^۱ «صدق» متضاد و

۱. طبق دیدگاه حسینی زبیدی (۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۶۱)، صِدْق و صَدَق (با فتحه یا کسره صاد) هر دو به یک معنا است. البته وی معتقد است صِدَق (با کسره صاد) فصیح‌تر است. به گفته وی، می‌توان گفت صَدَق (با فتحه صاد) مصدر است و صِدَق (با کسره صاد) اسم است.

نقیض «کذب» است (همان، ج ۵، ص ۵۶؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۶۵۶). در لغت به معنای نیرومندی گفتاری و غیرگفتاری (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۳۹)، شدت (فیروزآبادی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۳۴)، صلابت چیزی (ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۶۵۶؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۲۷۶) و تمامیت و کمال شیء (اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۵۷) آمده است. به گفته ابن‌فارس (۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۳۹) «صدق» را از آن جهت «صدق» می‌گویند که در ذاتش قوت و نیرومندی است و «کذب» را از آن جهت «کذب» می‌گویند که در آن قوت و نیرومندی نیست و باطل است. بنابراین، می‌توان گفت معنای اصلی نهفته در واژه «صدق»، «تمامیت و کمال شیء و صحت از خلاف و ناراستی» است؛ و ویژگی‌های نیرومندی، صلابت، و شدت از لوازم و شرایط تحقق تمامیت و صحت هر چیز است (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۲۱۵). با همین توضیح روشن می‌شود که حقیقت صدق به تناسب مصادیق مختلف، تفاوت پیدا می‌کند. مثلاً فقط وقتی به شخص «صادق الوعد» می‌گویند که به وعده خود عمل کند، چراکه فقط در صورتی وعده کامل و صحیح می‌شود که طبق آن وعده عمل شود؛ و فقط زمانی «نیت صادق» مصداق پیدا می‌کند که آن نیت با انجام‌دادن عمل، کامل شود.

شاکله

شاکله از ماده «شکل» است. معنای غالبی آن همانندی و مشابهت است. مثلاً وقتی می‌گویند «الف شکل ب است»، یعنی الف مشابه و همانند ب است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۷۳۶؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ص ۲۰۴). اما لغت‌شناسانی مانند راغب اصفهانی (۱۳۶۲، ص ۴۶۲)، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۶۴)، فیومی (۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲۱) معنای دیگری را نیز برای این ماده ذکر می‌کنند و آن معنای تقیید و تحدید است. «شِکال» ریسمانی است که با آن دست و پای ستوران را می‌بندند. «شَکَلْتُ الْکِتَابَ» یعنی کتاب را با اعراب‌گذاری و نقطه‌گذاری مقید و محدود کردم. به همین دلیل، راغب اصفهانی (۱۳۶۲، ص ۴۶۲) معتقد است قول خداوند که فرمود «قل کل یعمل علی شاکلته»، دلالت دارد بر اینکه اعمال هر کسی به خلق و خو و طبیعتش مقید و محدود است. حتی برخی لغویان (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۷۳۶) «شِکال» را معادل «عقال»^۱ در نظر گرفته‌اند. بنابراین، واژه «شاکله» در نگاه لغویان به معنای دوم (تقیید و

۱. عقال به معنای ریسمانی است که با آن پای شتر را می‌بندند.

تحدید) نزدیک است و آن را معادل واژه‌هایی همچون «سجّیت»، «خَلِیقَه»، «طریقَه»، «نیت»، «مذهب»، و «جهت» (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۱۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۵۴۹؛ ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۳۵۷؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۸۱) می‌دانند. طبرسی در مجمع‌البیان معتقد است طریقه و مذهب را از این جهت «شاکله» خوانده‌اند که رهروان منسوبان به آن دو خود را ملتزم می‌دانند که از آن راه منحرف نشوند (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۳، ص ۲۶۱).

بنابراین، می‌توان گفت معانی غالبی «شکل» عبارت‌اند از: ۱. همانندی و مشابهت ظاهری و صوری چیزی با چیز دیگر؛ ۲. تقیید و تحدید چیزی؛ و «شاکله» با معنای دوم سازگارتر است. لغویان «شاکله» را با تعبیری همچون «سجّیت»، «طبیعت»، «خلق و خو»، «طریقت» و «مذهب» توصیف کرده‌اند.

مفاهیم چهارگانه در منابع دینی

«نیت» در قرآن

واژه «نیت» و مشتقات آن در قرآن کریم به کار برده نشده است. اما مفاهیم مترادف یا قریب‌المعنا با «نیت» وجود دارد. نزدیک‌ترین واژه‌ها به «نیت» عبارت‌اند از: «اراده»،^۱ «ایتغاء»،^۲ «انبعاث»،^۳ «دعو»،^۴ «وجه»،^۵ «حرض»،^۶ «عزم»^۷ و «طلب»،^۸ که تمام اینها در آیات قرآن بارها استفاده شده است. چنان‌که در قسمت مفهوم‌شناسی لغوی «نیت» گذشت، لغویان برای نیت دو معنای اصلی ذکر

۱. «اراده» مأخوذ از ماده «رود» است. این ماده و مشتقاتش ۱۴۸ بار در قرآن تکرار شده است.

۲. «ایتغاء» به معنای طلب‌کردن و خواستن چیزی (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ص ۱۰۳) و مأخوذ از ماده «بغی» است. این ماده و مشتقاتش ۹۶ بار در قرآن تکرار شده است.

۳. «انبعاث» به معنای حرکت‌کردن (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۹، ص ۳۷۹) و مأخوذ از ماده «بعث» است. این ماده و مشتقاتش ۶۷ بار در قرآن تکرار شده است.

۴. «دعو» به معنای میل پیداکردن است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ص ۳۲۴). ماده «دعو» و مشتقاتش ۲۱۲ بار در قرآن تکرار شده است.

۵. «وجه» به معنای روی آوردن (استقبال)، اقبال و توجه‌کردن است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ص ۱۰۱۴؛ طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۱۹۱). ماده «وجه» و مشتقاتش ۷۸ بار در قرآن آمده است.

۶. «حرض» به معنای برانگیختن و تشویق است (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۵، ص ۲۶۸). ماده «حرض» و مشتقاتش ۳ بار در قرآن تکرار شده است.

۷. ماده «عزم» و مشتقاتش ۹ بار در قرآن تکرار شده است.

۸. ماده «طلب» و مشتقاتش ۴ بار در قرآن تکرار شده است.



کرده‌اند: الف. مقصد و مقصود از انجام‌دادن کاری؛ ب. قصد، اراده و عزم انجام‌دادن کاری. تمام مفاهیم فوق به نوعی بیانگر معنای دوم نیت است و از این جهت با «نیت» مشابهت مفهومی دارد. با دقت در مضامین آیاتی که واژه‌های فوق در آنها به کار برده شده است، دو نکته به روشنی برداشت می‌شود:

الف. مفاهیم فوق که هم‌معنا یا قریب‌المعنا با نیت‌اند، در ادبیات قرآنی بار ارزشی ندارند و خنثا هستند، و به نسبت معیارها و متعلقات آنها پسندیده و ناپسند می‌شوند. بنابراین، این مفاهیم بیانگر و ناظر به شرایط «تحقق عمل» هستند نه ناظر به شرایط «صحت عمل».

ب. تمام این مفاهیم از جنس میل، رغبت، تحریک، و انگیزه هستند و به ساحت «عاطفی‌انگیزی» انسان مربوط می‌شوند، و مقدمه ضروری برای انجام‌دادن عمل هستند.

نیت در احادیث

«نیت» از مفاهیمی است که گرچه در ادبیات قرآنی از آن استفاده نشده است، اما در احادیث امامان معصوم علیهم‌السلام کاربرد رایجی دارد. در برخی منابع حدیثی شیعه (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۴ - ۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۱۸۵ - ۲۱۲) باب مستقلی در باب نیت وجود دارد که در آن کوشیده‌اند روایات مربوط به نیت را جمع‌آوری کنند. در ادامه، با ذکر این احادیث و تبیین آنها، ویژگی‌های مفهومی «نیت» را از نگاه امامان معصوم علیهم‌السلام می‌کاویم. این بررسی، ما را در رسیدن به مدلی مفهومی از انگیزش دینی یاری خواهد کرد.

الف. در ادبیات مفهومی احادیث اسلامی، مفهوم «نیت»، اگر همراه با وصف دیگری نباشد، خنثا است و بار ارزشی ندارد، و بسته به صفت یا مضاف‌الیهی که برای آن به کار برده شده است، مثبت یا منفی بودنش مشخص می‌شود. در روایات اسلامی، نیت پایه شکل‌گیری اعمال تمام انسان‌ها، چه مؤمن و چه کافر، در نظر گرفته شده، و نیت مؤمن را بهتر از عملش، و نیت کافر را بدتر از عمل وی قلمداد کرده‌اند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۴).

ب. در متون دینی، «آگاهانه‌بودن و ارادی‌بودن» انجام‌دادن عمل در مفهوم «نیت» گنجانده شده است. یعنی عملی از روی نیت محسوب می‌شود که از روی اختیار، اکتسابی، و آگاهانه باشد. در روایتی میان «اخلاق از روی نیت» و «اخلاق از روی سنجیت» تفکیک قائل شده‌اند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۰۱). اولی را اخلاق اکتسابی و از روی تعمد توصیف کرده‌اند، و دومی را اخلاق

ذاتی و غیراکتسابی در نظر گرفته‌اند؛ و به همین دلیل، اخلاق از روی نیت را ارزشمندتر از اخلاق از روی سنجیت دانسته‌اند.

ج. در روایات اسلامی، «نیت» به دو دسته کلی خوب و بد تقسیم شده است. خوب و بد بودن «نیت» در قالب تعبیری همچون «نیت سلیم» (شریف رضی، ۱۴۱۴، نامه ۳۱)، «نیت حسنه» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸؛ ج ۲، ص ۸۳؛ علی بن الحسین، ۱۴۱۱، دعای اول؛ آمدی، ۱۳۶۰، ح ۴۸۱۷، ۴۸۰۶، ۹۰۹۴، ۱۰۱۴۱)، «نیت سوء» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳۷۶؛ آمدی، ۱۳۶۰، ح ۳۱۱ و ۵۵۶۸)، «نیت فاسد» (آمدی، ۱۳۶۰، ح ۴۰۲۱، ۶۲۲۸، ۲۷۲۹، ۹۴۰۲)، «نیت صالح» (شریف رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۳۲۱) در منابع حدیثی وجود دارد.

د. در متون دینی، «نیت» متصف به دو ویژگی مهم «خالص» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸؛ ج ۸، ص ۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۱۰؛ ج ۸۶، ص ۳۱۸؛ ج ۹۴، ص ۱۴۷؛ آمدی، ۱۳۶۰، ح ۶۵۱۰) و «صادق» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۶؛ ج ۲، ص ۸۵؛ ج ۴، ص ۴؛ شریف رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۷۸؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۴۲۱؛ ج ۷۰، ص ۲۱۰؛ ج ۷۶، ص ۳۰۱؛ متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۴۱۹) شده است. خالص بودن و صادق بودن نیت در اینکه ما نیتی را خوب یا بد توصیف کنیم تعیین کننده است. در روایات اسلامی، به برخی از نیات فاسد و نامقبول با فقدان این دو صفت اشاره شده است. مثلاً نیتی که از روی ریا است، نیتی است که در آن اخلاص و صفا نیست؛ و به همین دلیل در روایات، ریا مصداق شرک دانسته شده است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۹۳). بنابراین، دو صفت «خالص» و «صادق» را می‌توان جزء مؤلفه‌های اصلی نیت مقبول از دیدگاه دین در نظر گرفت.

ه. طبق روایات اسلامی، «نیت» مفهومی ذومراتب است. از آنجا که انگیزه افراد در روی آوردن به دین‌ورزی متفاوت است، کیفیت و مراتب نیت دینداران نیز یکسان نیست. روایات اسلامی، دلایل و انگیزه‌های مختلفی برای عبادت کردن و طاعت خداوند ذکر کرده‌اند (شریف رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۲۳۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۲). اندیشمندان اسلامی نیز بر اساس همان روایات، درجات و منازل مختلفی برای نیت برشمرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۱۹۵ - ۱۹۸).

و. در ادبیات مفهومی احادیث اسلامی، نیت به دو دسته نیت پایدار و موقت تقسیم می‌شود. معنای غالبی «نیت» همان چیزی است که مقارن و همراه با عمل وجود دارد، و از شرایط ضروری

تحقق عمل است. این همان «نیت موقت» است که در حین انجام دادن عمل وجود دارد، و پس از انجام دادن عمل از بین می‌رود. اما گاهی منظور ما از «نیت»، صفت پایداری است که جزء شخصیت فرد شده و به راحتی تغییرپذیر نیست. در قرآن کریم (اسراء: ۸۴) از نیت پایدار شخصیتی به «شاکله» تعبیر شده است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۵۴۶؛ طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۳، ص ۲۶۱ - ۲۷۰)؛ و در روایات اسلامی، این شاکله را به نیت تفسیر کرده‌اند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۵). بنابراین، می‌توان گفت در روایات اسلامی از «نیت» دو معنا اراده شده است: نیت پایدار که همان شاکله است؛ و نیت موقت و گذرا که همراه و مقارن با عمل است.^۱ از مطلب فوق می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه دین، آنچه موجب دوام انگیزه و نیت در طول زمان و در موقعیت‌های مختلف می‌شود، شاکله است. بنابراین، می‌توان شاکله را تبیین‌گر ویژگی و مؤلفه پایداری و تداوم نیت در نظر گرفت.

ز. در احادیث اسلامی، نیت به عنوان «حسن فاعلی» مفهوم‌سازی شده، و از «حسن فعلی» متمایز شده است. طبق روایات اسلامی، حسن فعلی^۲ و حسن فاعلی (نیت) شرط لازم برای قبولی کارها است، اما هر کدام به‌تنهایی شرط کافی نیست (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۴۷ و ۳۹۶؛ کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۹۴). بنابراین، گرچه نیت جایگاه بسیار مهمی دارد، اما طبق روایات اسلامی، برای قبولی عمل، افزون بر نیت درست، باید عمل نیز نیکو و مطابق با سنت دین باشد.

«اخلاص» در قرآن

ماده «خلص» و مشتقاتش ۳۱ بار در قرآن به کار رفته است. اگر بخواهیم تمام اهداف، معارف و دستورهای قرآن کریم را در کلمه‌ای خلاصه کنیم، آن کلمه «اخلاص» است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۵۹). طبق آیات قرآن، می‌توان دو نوع کلی اخلاص را از هم تفکیک کرد: الف. «اخلاص در امور اعتقادی»؛ ب. «اخلاص در امور عملی». اخلاص در امور اعتقادی به ساحت اندیشه و باورهای انسان مربوط است، و اخلاص در امور عملی به ساحت انگیزه‌ها، عواطف، و رفتارهای ما مرتبط است. اخلاص در امور اعتقادی به «توحید ذاتی»، «توحید در صفات»،

۱. در علم روان‌شناسی، از نیت موقت به «انگیزه حالتی» (motivation as a state) و از نیت پایدار به «انگیزه صفتی» (motivation as a trait) یاد می‌کنند.

۲. در احادیث اسلامی، از حسن فعلی با تعبیری مانند «حَسَنَه» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۹۴) و «إِصَابَتِ سُنَّتِ» (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۴۷ و ۳۹۶) یاد می‌شود.

«توحيد افعالی»، «توحيد در حکم» و «توحيد در اطاعت» باز می‌گردد؛ و اخلاص در امور عملی به «توحيد در عبادت». توحيد در عبادت به معنای خالص کردن انگیزه‌ها در پرستش خدای یگانه است^۱ (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۱۲۱). برخی از مفسران، از توحيد در عبادت به «توحيد عملی» یاد می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۵۶۰). بنابراین، می‌توان گفت ما در آیات قرآن با دو نوع توحيد مواجهیم: توحيد علمی، که به ساحت باورها و شناخت‌های ما مربوط است؛ و توحيد عملی، که به ساحت انگیزه‌ها و رفتارهای ما مرتبط است.

تفکیک میان اخلاص در امور اعتقادی (توحيد علمی) و اخلاص در امور عملی (توحيد عملی) میان مفسران قرآن نیز تفکیک مشهوری است و در مناسبت‌های مختلف به این دو نوع اخلاص اشاره می‌کنند. از باب نمونه، طباطبایی ذیل آیات ۲ و ۳ سوره زمر^۲ می‌گوید:

از خلال آیات سوره زمر برمی‌آید که مشرکان معاصر رسول خدا ﷺ از آن جناب درخواست کرده‌اند که از دعوتش به سوی توحيد و از تعرض به خدایان ایشان صرف نظر کند، وگرنه نفرین خدایان گریانش را خواهد گرفت. در پاسخ آنان این سوره نازل شده و به آن جناب تأکید کرده که دین خود را خالص برای خدای سبحان کند، و اعتنایی به خدایان مشرکین نکند، و علاوه بر آن به مشرکین اعلام نماید که مأمور به توحيد و اخلاص دین است؛ توحيد و اخلاصی که آیات و ادله وحی و عقل همه بر آن تواتر دارند (همان، ج ۱۷، ص ۳۵۲).

این نوع اخلاص، که مشرکان از آن تهی هستند، اخلاص در امور اعتقادی است. اما در کنار این نوع آیات، آیات دیگری هم هست که اخلاص در امور عملی را یادآور می‌شود. طباطبایی ذیل آیه ۳۶ سوره نساء می‌گوید:

منظور خداوند از ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ دعوت به توحيد است، اما توحيد عملی. و آن این است که شخص موحّد اعمال نیک (حسنه) خود را صرفاً به خاطر رضای خداوند انجام دهد. و در برابر آن ثواب آخرت را بخواهد، نه اینکه هوای نفس را

۱. توحيد در عبادت دو معنا دارد؛ ۱. اطاعت از خدای یگانه و ترک پرستش غیر او. این معنا از توحيد در عبادت، همان توحيد در اطاعت است. ۲. معنایی که در این مقاله مد نظر ما قرار گرفته و عبارت است از خالص کردن انگیزه در پرستش خدای یگانه (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۱۲۱).

۲. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ * أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾.

پیروی نموده، آن را شریک خدای متعال در پیروی خود بداند. کسانی که توحید عملی ندارند افرادی هستند که در انجام اعمال حسنه، مانند انفاق، ریاکاری می‌کنند. مراد از توحید عملی و اخلاص برای خدا این است که عبادت را فقط و فقط به خاطر رضای خدا و به منظور تحصیل ثواب آخرت انجام دهد نه پیروی از نفس (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۵۴).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، این نوع توحید، مخصوص کسانی است که موحدند و به تعبیر دیگر، توحید علمی (اخلاص در امور اعتقادی) دارند. در این آیات، آنها به توحید عملی دعوت می‌شوند، که همان اخلاص در انگیزه‌ها و نیت‌ها است. کسانی که در امور اعتقادی اخلاص ندارند (توحید علمی) در یکی از سه گروه کافران، مشرکان یا منافقان قرار می‌گیرند، و کسانی که در امور عملی اخلاص ندارند (توحید عملی) در گروه ریاکاران^۱ می‌گنجد. هم کافران و هم مشرکان، منکر وحدانیت مطلق خداوند هستند و به همین دلیل هر کدام فاقد سطحی از توحید علمی‌اند. منافقان نیز یا کسانی هستند که در دامن اسلام هستند اما درباره خداوند در شک و تردیدند، یا کسانی هستند که از آغاز تا پایان بیرون از دین اسلام‌اند و به آن ایمانی ندارند، اما به عوض آنکه صراحتاً بی‌اعتقادی خویش را اعلام دارند، به ظاهر اسلام را پذیرفته‌اند و قبای دین را پوششی برای انجام دادن اعمال شیطانی خود قرار داده‌اند.^۲

طبق نکات فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت که «اخلاص» یکی از مفاهیم محوری در منظومه مفاهیم اخلاقی دینی قرآن کریم است. از دیدگاه قرآن، می‌توان اخلاص را در دو دسته گنجانند: «اخلاص در عقاید» و «اخلاص در اعمال». دو آموزه بنیادین توحید و اخلاص در هم عجین، و با هم تفسیرپذیرند، به گونه‌ای که برای توصیف و تبیین هر کدام، نیازمند به استفاده از دیگری هستیم. اخلاصی که به حوزه انگیزه‌ها و عواطف مربوط است، اخلاص در امور عملی است (توحید عملی)، و کسی که این نوع از اخلاص را ندارد در گروه ریاکاران قرار می‌گیرد. همچنین، «نیت

۱. «ریا» دو معنای عام و خاص دارد. معنای عام «ریا» شامل منافقان نیز می‌شود. اما معنای خاص «ریا» که در روایات اسلامی بیشتر مد نظر است، منافقان را شامل نمی‌شود، و فقط موحدان و مؤمنانی را در بر می‌گیرد که در انجام دادن اعمال عبادی گاه به غیر از رضای خداوند و ثواب آخرت، مقاصد دیگری نیز دارند. برای تفکیک میان این دو معنا از «ریا» نک: غزالی، ۱۴۱۲، ج ۳، باب ذم الجاه والریاء؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۲۶۶-۲۷۱.

۲. برای آگاهی تفصیلی از مؤلفه‌های اصلی مفهوم «کفر»، «شرک»، «نفاق» و ویژگی‌های کافران، مشرکان و منافقان از دیدگاه قرآن نک: ایزوتسو، ۱۳۷۸، فصل ۷ و ۹.

خالص» را که در بخش مربوط به بررسی مفهوم «نیت» بر آن تأکید شد می‌توان معادل توحید عملی قرار داد؛ چراکه نیت خالص نیز به معنای اخلاص در حوزه انگیزه‌ها و عواطف در نظر گرفته شد. نیز، می‌توان مفهوم «ریا» را متضاد با «نیت خالص» دانست.

اخلاص در حدیث

با بررسی مجموعه روایات مربوط به اخلاص می‌توان به ویژگی‌های کلی اخلاص از دیدگاه پیشوایان دین رسید. به دلیل جایگاه ویژه اخلاص در مفهوم‌سازی انگیزش دینی، بررسی این ویژگی‌ها می‌تواند ما را در جهت تدوین الگوی مفهومی انگیزش دینی یاری رساند.

الف. در کتاب اصول کافی، باب اخلاص (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۵ و ۱۶)، شش روایت مربوط به اخلاص آمده است. با دقت در این روایات روشن می‌شود که همان دسته‌بندی دوگانه اخلاص (اخلاص علمی و عملی) که در آیات قرآن وجود داشت، در احادیث پیشوایان دین نیز وجود دارد. در اولین روایت این باب که در تفسیر «حَنِيفًا مُسْلِمًا» (آل عمران: ۶۷) است، امام صادق (ع) فرمودند: «یعنی خالص مخلص، که عبادت هیچ بتی همراه آن نباشد». این روایت به اخلاص علمی اشاره دارد؛ یعنی فرد از ویژگی‌های شرک و کفر به دور است. در روایت چهارم همین باب، به اخلاص نوع دوم، که اخلاص عملی است، اشاره می‌شود. در این روایت، امام صادق (ع) درباره آیه «لِيَبْلُوكُمْ أَيَكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۲) فرمودند: «این آیه به عمل خالص اشاره دارد؛ و معیار عمل خالص آن است که فرد نخواهد کسی جز خدای عزوجل، وی را بستاند». این روایت درباره اخلاص عملی و معیار تحقق آن است، چنان‌که متن روایت صراحت دارد.

ب. در روایات اسلامی، معیار و علامت عمل خالص، «نیت خالص» است. یعنی عملی خالص تلقی می‌شود که نیت و اراده فرد از انجام دادن آن عمل، رضای خدا باشد. چنان‌که از حدیث چهارم باب اخلاص کتاب کافی، که در بالا ذکر شد، استفاده می‌شود، معیار عمل خالص، آن است که فرد نخواهد کسی جز خدای (ع) وی را بستاند. در ادامه روایت، به منظور تأکید بر

۱. «عَلَى بَنِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ (ع) حَنِيفًا مُسْلِمًا قَالَ خَالِصًا مُخْلِصًا لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ».

۲. «عَلَى بَنِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُتَّقِرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ (ع) لِيَبْلُوكُمْ أَيَكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا قَالَ لَيْسَ يَعْْنَى أَكْثَرَ عَمَلًا وَ لَكِنْ أَصَوَّبَكُمْ عَمَلًا وَ إِنَّمَا الْإِصَابَةُ خَشْيَةُ اللَّهِ وَالتَّوْبَةُ الصَّادِقَةُ وَ الْحَسَنَةُ ثُمَّ قَالَ الْإِيقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدَّ مِنَ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ (ع)».

اهمیت نیت نسبت به عمل و ابتای عمل بر نیت، فرمودند: «نیت از عمل بافضیلت‌تر است».^۱

ج. اخلاص ناظر به مقصد، مقصود، غرض، و جهت نیت است. اخلاص یعنی اینکه غرض و مقصود وی از انجام‌دادن آن کار، ستایش و تمجید دیگران نیست و فقط خداوند را در نظر دارد.^۲ به همین دلیل، ریا و سمعه و قصد مدح و ستایش دیگران با نیت خالصانه منافات دارد (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۴۹). تعابیری که به عنوان غایت در متون دینی معرفی شده، عبارت است از: «وجه الله» (بقره: ۱۱۲؛ آل عمران: ۲۰؛ نساء: ۱۲۴؛ انعام: ۷۹؛ انعام: ۵۲؛ کهف: ۲۸؛ روم: ۳۸؛ لقمان: ۲۲؛ دهر: ۹؛ لیل: ۱۷)،^۳ «لله»،^۴ «مرضات الله» (بقره: ۲۰۷؛ بقره: ۲۶۵؛ نساء: ۱۱۳). «وجه» در این آیات به معنای جهت و طریق است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۰۶). با این توضیح روشن می‌شود که اخلاص یکی از مؤلفه‌های اصلی نیت است، و مؤلفه جهت‌مندی نیت را پوشش می‌دهد.

د. در روایات اسلامی، معنای اخلاص ذومراتب است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۱۰۰). به تعبیر دیگر، واژه «اخلاص» بر طیفی از معنا دلالت می‌کند که هر فردی در یکی از نقاط آن طیف قرار دارد. لذا یکی از شاخص‌هایی که بر اساس آن مؤمنان درجه‌بندی می‌شوند، مراتب اخلاص است.^۵

ه. در روایات معروف به «جنود عقل و جهل»، سه مفهوم در نقطه مقابل «اخلاص» قرار داده شده است: «شوب» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲؛ برقی، ۱۴۱۳، ص ۵۹۰؛ ج ۱، ص ۱۹۷)، «شرك» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۵) و «نفاق» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۰۱). در لغت،

۱. «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ ﷻ وَالنِّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَإِنَّ النِّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ ﷻ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِرِيهِ يَعْنِي عَلَيَّ نِيَّتِهِ».

۲. «علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن القاسم بن محمد، عن المنقري، عن سفیان بن عیینة، عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله ﷻ: لِيُبَلِّغُكُمْ أَيْكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا قَالَ: ليس يعني أكثر عملاً و لكن أصوبكم عملاً و إنما الاصابة خشية الله والنية الصادقة والحسنة، ثم قال: الإبقاء على العمل حتى يخلص أشد من العمل، والعمل الخالص: الذي لا تريد أن يحمداك عليه أحد إلا الله ﷻ» (كليني، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۶).

۳. «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَصَلِّي الرَّكَعَتَيْنِ بَرِيدًا بِهِمَا وَجْهَ اللَّهِ فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِمَا الْجَنَّةَ» (حر عاملي، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۱).

۴. «مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِي بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ اجْعَلُوا أَمْرَكُمْ هَذَا لِلَّهِ وَلَا تَجْعَلُوهُ لِلنَّاسِ فَإِنَّهُ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلَّهِ وَمَا كَانَ لِلنَّاسِ فَلَا يَضَعُدُ إِلَى اللَّهِ» (كليني، ۱۳۷۵، ج ۲، باب ریا، ص ۲۹۳).

۵. «بِالْإِخْلَاصِ تَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ» (ورام، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۲۰).

«شوب» به معنای ناخالصی و آمیختگی است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۲۵)؛ و «شُرک» نیز به معنای مقارنه و عدم انفراد است (همان، ج ۳، ص ۲۶۵). در روایات اسلامی، وقتی می‌گویند عبادت و اطاعت خداوند باید خالص باشد، بدین معنا است که هدف از عبادت و اطاعت فقط باید برای خداوند باشد و آمیخته (شوب) و مقارن (شُرک) با اهداف دیگر نباشد. لذا در روایات اسلامی، عبادت از روی ریا، شرک تلقی شده است،^۱ چراکه مقارن با اهداف و مقاصد دیگر است و فقط برای خداوند نیست. بنابراین، در روایات اسلامی منظور از «شُرک»، معنای عام آن است و تمام آنچه، از جمله ریا، را که عملی مقارن با اهداف دیگری غیر از خداوند است شامل می‌شود. با این توضیحات روشن می‌شود که «شوب» و «شُرک» در روایات اسلامی به یک معنا به کار برده شده و منظور از هر دو این است که انگیزه و نیت در انجام دادن عبادتی، علاوه بر رضایت خداوند، با اهداف دیگر نیز آمیخته (شوب) و مقارن (شُرک) شده است.

اما مفهوم سومی که در مقابل «اخلاص» قرار داده شده، «نفاق» است. «نفاق»، چنان‌که در بخش «اخلاص در قرآن» گفته شد، وصف کسانی است که یا در دامن اسلام‌اند اما درباره خدا در شک و تردیدند؛ یا کسانی هستند که از آغاز تا پایان بیرون از دین اسلام‌اند و به آن ایمانی ندارند، اما به عوض آنکه صراحتاً بی‌اعتقادی خویش را اعلام کنند، به ظاهر اسلام را پذیرفته‌اند و قبا‌ی دین را پوششی برای ارتکاب اعمال شیطانی خود قرار داده‌اند.^۲ معنای «نفاق»، مانند «شُرک» یا «شوب»، عام نیست؛ بلکه معنای محدودی دارد و افراد خاصی را در بر می‌گیرد. بنابراین، می‌توان گفت نقطه مقابل «اخلاص» در روایات اسلامی، دو معنای عام و خاص است: «شُرک» و «شوب» که معنای عام دارند، و «نفاق» که معنای خاص دارد.

صدق در قرآن

ماده «صدق» و مشتقاتش ۱۵۵ بار در قرآن تکرار شده است. بر اساس آیات قرآن، «کذب» نقطه مقابل «صدق» است.^۳ همچنین، از آیات قرآن استفاده می‌شود که صدق انواع مختلفی دارد: صدق

۱. «عَلَىٰ بُنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ زَيْدِ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: كُلُّ رِيَاءٍ شُرْكٌ إِنَّهُ مِنْ عَمَلٍ لِلنَّاسِ كَانَتْ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ وَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ كَانَتْ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۹۳).

۲. برای آگاهی تفصیلی از مؤلفه‌های اصلی مفهوم «کفر»، «شُرک»، «نفاق» و ویژگی‌های کافران، مشرکان و منافقان از دیدگاه قرآن نک: ایزوتسو، ۱۳۷۸، فصل ۷ و ۹.

۳. «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ» (عنکبوت: ۲)؛ «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعُونَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكٰذِبِينَ» (توبه: ۴۳)؛ «قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكٰذِبِينَ» (نمل: ۲۷).

در گفتار (نساء: ۸۷؛ نساء: ۱۲۲؛ مریم: ۵۰؛ شعراء: ۸۴)، صدق در وعده (آل عمران: ۱۵۲؛ مریم: ۵۴؛ انبیاء: ۹؛ احزاب: ۲۳؛ زمر: ۷۴؛ احقاف: ۱۶)، و صدق در نیت و عزم (محمد: ۲۱؛ حجرات: ۱۵).

در قرآن کریم، واژه‌ای که در تضاد با صدق در نیت قرار دارد، «أُمنیّه» است. «أُمنیّه» یعنی چیزی را در سر داشتن. قرآن کریم درباره کسانی که بین «نیت صادق» و «أُمنیّه» فرق نگذاشتند می‌فرماید: «گرچه عده‌ای تمنای جهاد فی سبیل الله دارند، اما نیت جهاد ندارند؛ زیرا روز جنگ در منزل‌های خود متوقف می‌شوند»؛ ﴿وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ (آل عمران: ۱۴۳)؛ «شما قبلاً آرزوی مرگ داشتید و می‌گفتید ای کاش صحنه مبارزای پیش می‌آمد و ما در راه خدا می‌جنگیدیم! اکنون که جهاد فرا رسیده و شما از نزدیک آن را دیدید، در صحنه پیکار حاضر نمی‌شوید، و از دور بر آن نظر دارید». پس کسانی که نیت صادق دارند، فقط به آرزو و تمنا و اخطار ذهنی صرف اکتفا نمی‌کنند. همچنین، درباره منافقانی که در صدر اسلام در ظاهر به رزمندگان اسلامی می‌گفتند: «ای کاش ما هم با شما بودیم و همراه شما به فوز عظیم نائل می‌شدیم»، چنین می‌گوید: ﴿وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَن لَّيَبْتَئِنَّ فَإِن أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا أَلَمْ نَكُن مَعَهُمْ شَاهِدِينَ﴾ (نساء: ۷۲)؛ «در میان شما، افراد منافقی هستند که دیگران را به کندی در راه خدا می‌کشاند. اگر مصیبتی در جهاد با دشمنان دین به شما برسد، می‌گویند: خدا به ما نعمت داد که با مجاهدان نبودیم تا شاهد آن مصیبت باشیم». از این سخنان استفاده می‌شود که منافقان که در حال عادی آرزوی مرگ داشتند، و در ارتباط خود با پیروزمندان می‌گفتند: ﴿بِالْيَتْنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ (نساء: ۷۳)، هرگز نیت جدی پیکار با تبهکاران نداشتند، بلکه فقط آرزوی خام آن را در سر می‌پروراندند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۵ - ۳۷۸).

بر اساس نکات فوق، می‌توان گفت طبق آیات قرآن، «کذب» نقطه مقابل «صدق» است. «صدق» در قرآن کریم مصادیق و معانی مختلفی دارد. در آیات قرآن، از صدق در گفتار، صدق در وعده، و صدق در نیت و عزم به‌صراحت یاد شده است. نیز در آیات قرآن، واژه «أُمنیّه»، نقطه مقابل «نیت صادق» است. «أُمنیّه» به حالتی می‌گویند که فرد گرچه در مقام سخن ادعاهایی می‌کند و آرزوهایی را در سر می‌پروراند، اما در مقام عمل بر اساس آنها عمل نمی‌کند. این حالت، نشانه آن است که فرد در نیت و اراده خود راسخ نیست و صدق در نیت ندارد.

صدق در حدیث

با بررسی مجموعه منابع حدیثی مربوط به صدق می‌توان به ویژگی‌های کلی صدق در روایات اسلامی رسید. به دلیل جایگاه ویژه صدق در مفهوم‌سازی انگیزش دینی، بررسی این ویژگی‌ها می‌تواند ما را در جهت تدوین الگوی مفهومی انگیزش دینی یاری رساند.

الف. نقطه مقابل «صدق» در روایات، «کذب» است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲).

ب. «صدق» در روایات معانی و مصادیق مختلفی دارد: صدق گفتاری (همان، ج ۲، ص ۵۶، ۷۳، ۷۶ و ۱۰۴)، صدق در نیت (همان، ج ۲، ص ۸۵؛ ج ۴، ص ۴۳۳)، صدق در بَأْس (همان، ج ۲، ص ۵۵)، و صدق در وعده (همان، ج ۴، ص ۲۲۱ و ۲۲۵).

ج. طبق احادیث اسلامی، تحقق «صدق در نیت» دو شرط دارد: ۱. آن نیت به اندازه‌ای نیرومند و شدید باشد که به عمل منتهی شود، یا به تعبیر روایات، «إظهارُ الفِعل» صورت پذیرد. بنابراین، اگر کسی بگوید من نیت انجام‌دادن کاری را دارم، اما عزم و قصد راسخ و جدی بر انجام‌دادن آن کار نداشته باشد، به گونه‌ای که در مقام عمل طبق آن عمل نکند، صدق در نیت ندارد. ۲. عمل انجام‌شده، منطبق با غایت و هدف مد نظر دین (اخلاص) باشد. به همین دلیل، افراد منافق گرچه گاهی اعمال دینی را انجام می‌دهند (یعنی شرط اول - اظهار فعل - را دارند)، اما چون برای خدا نیست، نیتشان صادق محسوب نمی‌شود.^۱ بنابراین، می‌توان گفت طبق احادیث اسلامی واژه «صدق» زمانی که با «نیت» به کار می‌رود، ناظر به قصد، عزم، همت، و اراده محقق‌کردن و عملی‌کردن نیت است.^۲ طبق این تفسیر، مفهوم «صدق»، دومین مؤلفه نیت را که نیرومندی است، پوشش می‌دهد. این برداشت کاملاً منطبق با معنای لغوی «صدق» نیز هست. چنان‌که گذشت، «صدق» در لغت به معنای نیرومندی گفتاری و غیرگفتاری، شدت، صلابت چیزی، و تمامیت و کمال شیء است.



۱. «وَأَمَّا قَوْلُهُ فِي السَّبَبِ الْمُهَجِّجِ فَهُوَ النَّبِيُّ الَّذِي هِيَ دَاعِيَةُ الْإِنْسَانِ إِلَى جَمِيعِ الْأَفْعَالِ وَحَاسَتُهَا الْقَلْبُ فَمَنْ فَعَلَ فِعْلًا وَكَانَ بَدِينٍ لَمْ يَعْتَدِ قَلْبُهُ عَلَى ذَلِكَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ عَمَلًا إِلَّا بِصِدْقِ النَّبِيِّ وَلِذَلِكَ أَخْبَرَ عَنِ الْمُتَأَفِّقِينَ بِقَوْلِهِ - يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ ﷺ تَوْبِيخًا لِلْمُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ الْآيَةَ فَإِذَا قَالَ الرَّجُلُ قَوْلًا وَاعْتَقَدَ فِي قَوْلِهِ دَعْوَةَ النَّبِيِّ إِلَى تَصْدِيقِ الْقَوْلِ بِإِظْهَارِ الْفِعْلِ وَإِذَا لَمْ يَعْتَدِ الْقَوْلَ لَمْ تَبَيِّنْ حَقِيقَتَهُ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۷۳).

۲. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ لَيَقُولُ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي حَتَّى أَفْعَلَ كَذَا وَ كَذَا مِنَ الْبِرِّ وَ وُجُوهُ الْخَيْرِ فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ تعالى ذَلِكَ مِنْهُ بِصِدْقِ نِيَّةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَا يَكْتُبُ لَهُ لَوْ عَمِلَهُ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۵).

حتی تا جایی این نیرومندی، عزم راسخ و اراده قوی برای انجام‌دادن کار اهمیت دارد که طبق روایات، اگر کسی واقعاً عزم جدی بر انجام‌دادن کاری داشته باشد، و به هر دلیلی امکان عملی (قدرت) تحقق آن را نداشته باشد، باز هم نیت صادق درباره او مصداق می‌یابد.^۱

د. با توضیح نکته قبل، رابطه میان صدق و اخلاص، به عنوان دو مؤلفه اصلی نیت خوب، روشن می‌شود. هر چه اخلاص فرد بیشتر باشد، صدق نیت وی افزایش می‌یابد. بنابراین، اخلاص در نیت مبنای صدق در نیت است.^۲

شاکله در قرآن

واژه «شاکله» یک بار در قرآن (اسراء: ۸۴) به کار برده شده است. میان مفسران قرآن در باب تعریف شاکله سه نظر وجود دارد: الف. کسانی معتقدند «شاکله» همان طبیعت و سرشت ذاتی انسان است که وی بر طبق آن خلق شده است (ابن عباس به نقل از: طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۵۴۶)؛ ب. مفسرانی که معتقدند «شاکله» عبارت است از طریقه و سنتی که انسان از اجتماع اکتساب کرده و بدان عادت کرده است (فراء و زجاج به نقل از: طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۵۴۶)؛ ج. نظر افرادی که «شاکله» را عبارت از شخصیت انسان می‌دانند، که هم از طبیعت ذاتی (مزاج و غریزه) متأثر است، و هم از سنت‌ها و آداب اجتماعی که به مرور زمان آموخته و درونی‌سازی کرده است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۳، ص ۲۶۱ - ۲۷۰).

برای روشن‌تر شدن دیدگاه قرآن درباره «شاکله»، شاید بهتر باشد به شباهت‌ها و تمایزهای «شاکله» و «فطرت» بپردازیم، شاید از طریق این مقایسه، به معنای واقعی «شاکله» نزدیک‌تر شویم.

الف. آیه فطرت،^۳ اصل مشترک میان انسان‌ها را تبیین می‌کند و می‌گوید انسان‌ها اصل مشترکی دارند؛ در حالی که آیه شاکله می‌گوید انسان‌ها اعمال مختلفی انجام می‌دهند؛ بنابراین، شاکله‌های مختلفی دارند. پس طبق آیه فطرت و شاکله، انسان‌ها گرچه اصل مشترکی (فطرت) دارند، اما با هم تفاوت (شاکله) دارند.

۱. «وَقَدْ أَجَازَ اللَّهُ صِدْقَ النَّبِيِّ وَ إِنْ كَانَ الْفِعْلُ غَيْرَ مُوَافِقٍ لَهَا لِعِلَّةٍ مَانِعٍ يَمْنَعُ إِظْهَارَ الْفِعْلِ فِي قَوْلِهِ إِلَّا مِنْ أَكْرَهٍ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ قَوْلُهُ لَا يُوَاجِدُكُمْ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۷۳).

۲. «قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَاحِبُ النَّبِيِّ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمُحْدَوِّزَاتِ بِتَخْلِيصِ النَّبِيِّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ. إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (جعفر بن محمد، ۱۹۸۰، ص ۵۳).

۳. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الْبَلِغُ الْقَوِيمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰).

ب. فطرت موهبتی است از جانب خداوند، اما شاکله اکتسابی است.

ج. فطرت از لحاظ علمی و عملی، جز به حق و صدق مایل نیست؛ برخلاف شاکله که گاه متمایل به طرف حق است و گاه متمایل به طرف باطل.

د. فطرت به غیر خدا استناد ندارد. زیرا بخشنده آن فقط خداوند است و اگر به انسان استناد پیدا می‌کند، از قبیل استناد به مبدأ قابلی است نه مبدأ فاعلی؛ برخلاف شاکله که به مبدأ فاعلی قریب، یعنی انسان استناد دارد.

ه. فطرت تبدیل‌پذیر نیست. نه خدا آن را تغییر می‌دهد نه غیر خدا؛ اما شاکله چون وصفی انسانی و ملکه‌ای نفسانی است، تبدیل‌پذیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰).

بنابراین می‌توان گفت از دیدگاه قرآن، شاکله حالتی پایدار در انسان است که عوامل مختلف، از جمله مزاج انسان‌ها و محیط و اجتماعی که فرد در آن قرار دارد، در شکل‌گیری آن دخیل است. بنابراین، شاکله، امری اکتسابی است و به مرور زمان در انسان پدید می‌آید. البته تأثیر این عوامل، موجب سلب اختیار از انسان نمی‌شود؛ بلکه انسان با اختیار خود، و در اثر تکرار اندیشه‌ها و اعمال، می‌تواند امری نفسانی را از حالت، به عادت و سپس به ملکه تبدیل کند. شاکله برخلاف فطرت، دو حالت خوب و بد دارد. بنابراین، شاکله برخی افراد، خوب و شاکله برخی افراد بد است. و در نهایت اینکه، تغییر شاکله گرچه امکان‌پذیر، اما بسیار دشوار است.

شاکله در حدیث

«شاکله» در احادیث اسلامی به کار برده شده است. در ادامه می‌کشیم ویژگی‌های مفهومی «شاکله» را در روایات بیابیم و رابطه آن را با نیت و انگیزه مشخص کنیم. این کار ما را در جهت مفهوم‌سازی انگیزش دینی یاری خواهد کرد.

الف. شاکله در روایات در دو معنا به کار رفته است: ۱. «نیت»؛ ۲. «طریقه و سنت».^۱ در

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ لِيُنَلِّمَنَّكُمْ أَيَكُم أَحْسَنُ عَمَلًا قَالَ لَيْسَ يَعْنِي أَكْثَرَ عَمَلًا وَ لَكِنْ أَصْوَبَكُمْ عَمَلًا وَ إِنَّمَا الْإِصَابَةُ خُشْيَةُ اللَّهِ وَ التَّيْبَةُ الصَّادِقَةُ وَ الْحَسَنَةُ ثُمَّ قَالَ الْإِبْتِغَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ وَ الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ تعالى وَ التَّيْبَةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَ إِنَّ التَّيْبَةَ هِيَ الْعَمَلُ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ لِيُنَلِّمَنَّكُمْ قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَيْهِ يَعْنِي عَلَى نِيَّتِهِ» (كلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۶)؛ «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّمَا خَلَّدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خَلَّدُوا فِيهَا أَنْ يَعْمُوا اللَّهَ أَبَدًا وَ إِنَّمَا خَلَّدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يَطْبَعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَيَالنِّيَاتِ خَلَّدَ هَوْلًا وَ هَوْلًا ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى - قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَيْهِ قَالَ عَلَى نِيَّتِهِ» (كلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۵).

۲. «وَ قَالَ صَالِحُ بْنُ الْحَكَمِ سَبَّلَ الصَّادِقُ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْبَيْعِ وَ الْكُنَائِسِ فَقَالَ صَلَّى فِيهَا قَالَ فَطَلْتُ وَ إِنْ كَانُوا يَصَلُّونَ فِيهَا أَصَلَّى فِيهَا قَالَ نَمَّ أَمَا تَقْرَأُ الْقُرْآنَ قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَيْهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا صَلَّى إِلَى الْقَبْلَةِ وَ دَعَاهُمْ» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۲۲).

روایات اسلامی، «شاکله» صراحتاً به «نیت» تفسیر شده است. در کتاب کافی (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۵)، امام صادق علیه السلام پس از آنکه آیه شاکله را می‌خواند آن را به «نیت» معنا می‌کند. اما دسته دیگری از روایات است که در آن «شاکله» به «طریقه» و «مرام» معنا شده است. این روایات در کتاب کافی نیست؛ بلکه در کتاب‌های حدیثی صدوق (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۴) و طوسی (۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۲۲) است. در این روایات چنین نقل شده است که از امام صادق علیه السلام راجع به چگونگی نماز در کلیسا و کنیسه پرسیدند. آن حضرت فرمود: «در آنجا نماز بگزار (مانعی ندارد)». عرض کردم: «اگر ایشان در آنجا مشغول نماز باشند هم نماز بخوانم؟». فرمود: «آری. مگر در قرآن نمی‌خوانی ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرِيكَرُهُ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا﴾^۱ (اسراء: ۸۴)؛ تو بر قبله خود نماز کن و ایشان را به حال خود گذار». بر اساس این حدیث، یهودیان و مسیحیان بر طبق شاکله (سنت و مذهب) خود عمل می‌کنند، و مسلمانان نیز بر طبق شاکله (سنت و مذهب) خود.

ب. بر اساس روایات اسلامی، «شاکله» دلالت بر امر پایداری می‌کند. در هر دو روایت از کتاب کافی (در باب اخلاص و باب نیت) که «شاکله» به «نیت» تفسیر شده است، سخن از مسئله‌ای پایدار و بادوام است. در روایت باب اخلاص کتاب کافی، پس از آنکه امام علیه السلام می‌گوید: «باقی ماندن و پایدار ماندن بر عمل (اخلاص) دشوارتر از انجام دادن خود عمل است»، به آیه شاکله استناد می‌کند. همچنین، در روایت باب نیت، امام علیه السلام پس از آنکه حکمت خلود در بهشت یا جهنم را بازگو می‌کند، به آیه شاکله استشهد می‌کند. طبق این روایت، دلیل اینکه مردم در بهشت یا جهنم جاودان می‌مانند این است که اگر در دنیا جاودان هم می‌مانند باز هم چنین عمل می‌کردند و نیت آنها در انجام دادن اعمال خوب یا بد مستقر و پایدار شده بود. پس از این بیان، امام علیه السلام به آیه شاکله استناد، و آن را به نیت تفسیر می‌کند. هر دوی این تفاسیر که در دو روایت فوق از جانب امام علیه السلام مطرح شده، نشان می‌دهد که منظور از «شاکله»، حالتی پایدار در نهاد انسان‌ها است.

با این توضیح، چنان‌که گذشت، می‌توان گفت «نیت» در احادیث اسلامی دو معنای موقت و پایدار دارد: «نیت پایدار»، که همان شاکله است؛ و «نیت موقت و گذرا»، که همان انگیزه همراه و مقارن با عمل است. در روان‌شناسی، از نیت موقت به «انگیزه به عنوان حالت»، و از نیت پایدار به «انگیزه به عنوان صفت» یاد می‌کنند. با این توضیح می‌توان گفت شاکله، تبیین‌گر سومین مؤلفه

۱. «ای پیغمبر! بگو هر کس بر شاکله (طریقه و مذهب) خود رفتار می‌کند و پروردگار تو به اینکه کدام یک راهشان درست‌تر است داناتر است».

انگیزش، یعنی «تداوم رفتار»، است.

ج. رابطه میان «شاکله» و «نیت» را به دو گونه می‌توان تصور کرد: ۱. به صورت علت و معلول؛ مجلسی می‌گوید اینکه در روایات، شاکله به نیت تفسیر شده، از آن رو است که نیت، تابع و معلول شاکله است، و امام علیه السلام به دلیل این رابطه علت و معلولی، از شاکله اراده نیت را کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۳۸). طبق این تفسیر، نیت و شاکله دو ماهیت جداگانه دارند؛ ۲. اگر نیت را به معنای عام بگیریم دو مصداق دارد: موقت و پایدار. از حالت پایدار نیت گاهی به «شاکله» تعبیر می‌شود. در این تصور، ماهیت نیت و شاکله یکسان است، و تفاوت آن دو فقط در موقتی و پایدار بودن آنها است. طبق تصور دوم، میان حالت پایدار و موقت نیت، رابطه تعاملی برقرار است؛ یعنی همچنان که شاکله بر روی نیت موقت تأثیر می‌گذارد، نیت موقت نیز بر روی شاکله تأثیرگذار است. طبق این تفسیر، شاکله سطح شخصیتی نیت می‌شود، که به مرور زمان شکل می‌گیرد، و خود را در موقعیت‌های مختلف و در طول زمان حفظ می‌کند. به تعبیر دیگر، درون ما پایدار و مستقر می‌شود.

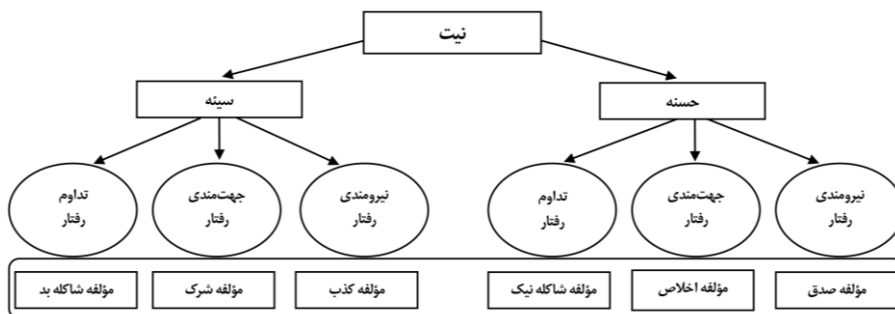
تبیین سازه انگیزش بر اساس دیدگاه اسلام

بر اساس یافته‌های مذکور که در شکل زیر نیز نمایان است، انگیزش از دیدگاه دین، سازه‌ای است چندوجهی، که هسته مفهومی آن «نیت» است. نیت از دیدگاه دین حالتی خنثا دارد، و به تناسب حالات و صفاتی که پیدا می‌کند به دو دسته کلی «خوب» و «بد» تقسیم می‌شود. برای اینکه بدانیم آیا نیت خاصی را دین تأیید کرده (خوب) یا تأیید نکرده است (بد)، باید به ویژگی‌ها و صفات آن نیت نگاه کنیم. ویژگی‌های هر کدام از نیت‌های خوب و بد را بر اساس مؤلفه‌های آن، می‌توان در سه مفهوم دینی خلاصه کرد. بنا بر یافته‌های موجود در روان‌شناسی، هر انگیزشی (نیت) سه مؤلفه اصلی دارد: مؤلفه نیرومندی (که در کتاب‌های لغت و متون دینی با مفاهیمی از قبیل «عزم»، «اراده»، و «قصد» شناخته شده است)، مؤلفه جهت‌مندی (که در کتاب‌های لغت و منابع دینی با مفاهیمی از قبیل «مَقْصَد»، «مَقْصُود»، «غرض»، و «وَجْه» شناسانده می‌شود)، و مؤلفه تداوم (که با مفاهیمی از قبیل «إِبْقَاء» و «حُلُود» شناخته شده است). مفهومی که در منابع دینی مؤلفه نیرومندی نیت خوب را تبیین می‌کند، «صدق» است؛ مفهومی که مؤلفه جهت‌مندی نیت خوب را تبیین می‌کند «اخلاص» است؛ و مؤلفه‌ای که گویای تداوم نیت خوب است، «شاکله نیک» است. بنابراین، به نیتی که از دو مؤلفه اخلاص و صدق تشکیل شده باشد، و بر اساس مؤلفه شاکله تداوم



یاباد («نیت حسنه» می‌گویند. از سوی دیگر، اگر نیتی در مؤلفه نیرومندی متصف به «کذب» شود (که اموری مانند «نفاق» را شامل می‌شود)، و در مؤلفه جهت‌مندی متصف به «شرک» شود (به معنای عام، که اموری مانند «ریا» را نیز شامل می‌شود)، و همچنین مؤلفه‌ای که این نیت بد را مستمر و متداوم می‌کند «شاکله بد» باشد، به این نوع نیت از دیدگاه دین، «نیت سیئه» می‌گویند.

شکل ۱: سازه انگیزش بر اساس منابع اسلامی



تعریف انگیزش بر اساس منابع اسلامی

با توجه به مباحث پیشین و تبیینی که از سازه انگیزش در منابع دینی انجام دادیم، اکنون می‌توان انگیزش را بر اساس منابع دینی تعریف کرد: نیت (انگیزش) فرآیندی «درونی» از جنس «رغبت و میل» است که به صورت «آگاهانه» و «ارادی» به رفتار ما «نیرو» و «جهت» می‌دهد. نیت در اندیشه دینی، حالتی «ذومراتب» دارد، و به مرور زمان در آدمی «تثبیت» می‌شود. از آنجا که مباحث منابع دینی درباره نیت، بیشتر ناظر به «شرط صحت عمل» است تا شرط تحقق عمل، از دیدگاه دین، مؤلفه‌های نیرومندی و جهت‌مندی نیت می‌تواند مسیر درست یا نادرست را طی کند. به همین دلیل، نیت از دیدگاه دین به دو نوع «خوب» و «بد» تقسیم می‌شود. از دیدگاه دین، «سازه نیت خوب» و مقبول با مفاهیم «اخلاص»، «صدق»، و «شاکله نیک» توضیح می‌یابد، و «سازه نیت بد» با مفاهیم «شرک»، «کذب»، و «شاکله بد» تبیین‌پذیر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نظریه خوب در باب انگیزش، در اولین گام باید بتواند مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده انگیزش را شناسایی کند. بر اساس تعریف روان‌شناسان، مطالعه انگیزش به فرآیندهای درونی مربوط می‌شود که به رفتار «نیرو»، «جهت»، و «استقامت» می‌بخشد. «نیرومندی»، به این نکته اشاره دارد که رفتار

دارای نیرو و توانی است که نسبتاً نیرومند، شدید و پایدار است. «جهت‌مندی» گویای این نکته است که رفتار دارای غرض و مقصودی است که به منظور رسیدن به هدف یا پیامدی مشخص، جهت‌دهی و هدایت می‌شود. «استقامت» یعنی رفتار دوام دارد، بدین معنا که با گذشت زمان و در موقعیت‌های مختلف پایدار می‌ماند.

ادیان الهی اهمیت ویژه‌ای برای مبحث انگیزش قائل‌اند. از دیدگاه دین اسلام، کیفیت عمل مهم‌تر از کمیت آن است؛ و معیار کیفیت عمل، نوع نیت و انگیزه‌ای است که انجام‌دادن آن عمل را نیرومند و هدایت کرده است؛ و انسان‌ها بر اساس انگیزه‌های خود محسور خواهند شد. اهمیت این جایگاه موجب شده است در طول زمان، اندیشمندان مسلمان مبحث انگیزش را جزء مباحث اصلی خود قرار دهند.

در این مقاله کوشیدیم سازه انگیزش را از طریق شناسایی مؤلفه‌های آن از دیدگاه منابع دینی تبیین کنیم. برای رسیدن به این منظور، ابتدا معانی چهار مفهوم «نیت»، «شاکله»، «صدق»، و «اخلاص» را که ساختمان اصلی بحث ما را تشکیل می‌دادند، در کتاب‌های لغت جویا شدیم. سپس، معانی و ویژگی‌های مفهومی این واژه‌ها را در منابع دینی (قرآن کریم و احادیث اسلامی) جویا شدیم. چنان‌که در قسمت‌های پیشین گفته شد، به مبحث نیت (انگیزش) از دو زاویه می‌توان پرداخت: نیت به عنوان «شرط تحقق عمل» و نیت به عنوان «شرط صحت عمل». در کتاب‌های لغوی بیشتر از زاویه اول نگریسته شده بود، و در منابع دینی بیشتر زاویه دوم محل بحث واقع شده بود. در این مقاله کوشیدیم با تلفیق این دو نگاه، تبیینی جامع از سازه انگیزش عرضه کنیم.

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، «نیت» به عنوان هسته مفهومی انگیزش در متون دینی در نظر گرفته شد، که سه ویژگی و مؤلفه اصلی دارد: «جهت‌مندی»، «نیرومندی»، و «تداوم». از آنجا که دین به سازه انگیزش نگاه ارزشی دارد، آن را به دو دسته خوب و بد تقسیم می‌کند. بنابراین، همان‌گونه که نیت خوب دارای سه مؤلفه صدق (مؤلفه نیرومندی)، اخلاص (مؤلفه جهت‌مندی)، و شاکله نیک (مؤلفه تداوم) است، نیت بد نیز سه مؤلفه دارد: کذب (مؤلفه نیرومندی)، شرک (مؤلفه جهت‌مندی)، و شاکله بد (مؤلفه تداوم).

منابع

قرآن کریم.

آمدی تمیمی، عبد الواحد (۱۳۶۰). غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: میرجلال‌الدین محدث ارموی، تهران: دانشگاه تهران.

- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۳). من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷). جمهرة اللغة، تحقیق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقانیس اللغة، به کوشش: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵). لسان العرب، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱). تهذیب اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسدی، مرتضی (۱۳۸۰). نیت در قلمرو فقه، اصول، کلام و اخلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم.
- اسماعیل بن عباد (صاحب) (۱۴۱۴). المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتب.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸). مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن کریم، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: نشر و پژوهش فرزاد.
- برقی، احمد بن محمد (۱۴۱۳). المحاسن، سید مهدی رجائی، قم: مجمع العالمی لأهل البيت علیهم‌السلام.
- جعفر بن محمد علیه‌السلام (۱۹۸۰). مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). فطرت در قرآن، قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: مؤسسه دار العلم للملایین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی بن محمد (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفكر.
- راغب اصفهانی، محمد حسین (۱۳۶۲). المفردات فی غریب القرآن، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
- ریو، جان مارشال (۱۳۹۵). انگیزش و هیجان، ترجمه: یحیی سید محمدی، ویراست ششم، تهران: ویرایش.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۶). ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: ع. صحت و همکاران، تهران: فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام، تصحیح: محمد آخوندی، تهران: دار الكتب الاسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). الامالی، قم: دار الثقافة.

علی بن الحسین (۱۴۱۱). الصحیفة السجادية، به كوشش: محمداقرا موحد ابطحي، قم: مؤسسه الامام المهدي.
 غزالي، محمد بن محمد (۱۴۱۲). احياء علوم الدين، بيروت: دار الهادي.
 فراهيدي، احمد بن خليل (۱۴۱۰). العين، قم: هجرت.
 فيروزآبادي، محمد بن يعقوب (۱۴۰۳). القاموس المحيط، بيروت: دار الكتب العلمية.
 فيومي، احمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنير، قم: مؤسسه دار الهجرة.
 كليتي، محمد بن يعقوب (۱۳۷۵). الكافي. به كوشش: علي اكبر غفاري، تهران: دار الكتب الاسلامية.
 مازندراني، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲). شرح الكافي: الاصول والروضة، تهران: المكتبة الاسلامية.
 متقي هندی، علي بن حسام الدين (۱۳۹۷). كنز العُمال، تصحيح: صفوه سقا، بيروت: مكتبة التراث الاسلامي.
 مجلسي، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقيق: محمداقرا بهبودي،
 عبدالرحيم رباني شيرازي، بيروت: دار احياء التراث العربي، الطبعة الثالثة.
 مجلسي، محمد باقر (۱۴۰۴). مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول، تصحيح: علي آخوندي و همكاران، تهران:
 دار الكتب الاسلامية.

محمدي ري شهري، محمد (۱۳۸۵). دانش نامه عقايد اسلامي، قم: دارالحدیث.

مصباح، مجتبي (۱۳۹۱). «نقش نيت در ارزش اخلاقي»، در: اخلاقي وحياني، س ۱، ۲، ص ۸۱ - ۱۰۴.

مصطفوي، حسن (۱۴۱۶). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.

ورام، مسعود بن عيسي (۱۳۶۲). مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام، مشهد: بنياد پژوهش هاي اسلامي آستان
 قدس رضوي.

Pervin, L. A. (2003). *The Science of Personality* (2nd ed), Oxford & New York: Oxford
 University Press.

